

تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن بطوطه

احسان قبول^{۱*}، عبدالله رادمرد^۲، زهرا شریعت پناه^۳

چکیده

متون ادبی و تاریخی را می‌توان مهم‌ترین ابزار شناخت سیمای زنان اقوام مختلف در ادوار گذشته دانست و یکی از کارکردهای دانش تصویرشناسی این است که می‌تواند تصاویر زنان را در این متون به صورت منظم و علمی طبقه‌بندی و تحلیل کند. از جمله متون ادبی که سیمای نسبتاً واقعی از زنان ارائه می‌کند سفرنامه‌هاست و یکی از جامع‌ترین این نوع ادبی در قرن هشتم سفرنامه ابن بطوطه است. در این مقاله، برآنیم که انواع تصاویر زنان را در این سفرنامه شناسایی و طبقه‌بندی کنیم. بر این اساس، نخست تصویر زنان پنج قوم ترک، مغول، ایران، چین و هند از سه منظر اوصاف ظاهری و آداب پوشش، ازدواج و حضور در فعالیت‌های اجتماعی دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند و پس از آن نگرش ارزش‌گذارانه ابن بطوطه به هر تصویر بررسی شده است. نتیجه این پژوهش ضمن معرفی تصاویری جدید از زنان اقوام مذکور در سفرنامه ابن بطوطه تأیید این فرضیه است که پیش‌فرض‌های مذهبی ابن بطوطه در نگرش ارزشی وی نسبت به زنان اقوام مختلف تأثیرگذار بوده است که به ترتیب در اقوام ترک و مغول، ایران و هند و چین خود را نشان می‌دهد.

کلیدواژگان

ازدواج، تصویرشناسی، زنان، سفرنامه ابن بطوطه، فعالیت‌های اجتماعی.

ghabool@um.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

radmard@um.ac.ir

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. مربی زبان فارسی، مرکز آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان دانشگاه فردوسی مشهد

zaharazahra.shariat20@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۰

مقدمه

تصویرشناسی^۱ از جمله حوزه‌های ادبیات تطبیقی در مکتب فرانسوی است که ویژگی اصلی تصویر را برآمدن آن از تفاوت میان من و دیگری و میان اینجا و آنجا تعریف می‌کند. از این رو، تصویرشناسی بیان یک تفاوت میان دو نظام واقعیت و دو مکان جغرافیایی است [۱۴، ص ۶۰] (۱). سفرنامه‌ها در شناخت اقوام و ملل دیگر اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا از یک سو مستقیماً اطلاعات و تصاویری از اقوام و ملل را نشان می‌دهد و از سوی دیگر به گفته جمال‌الدین انعکاس و پژواک تصاویر اقوام و ملل در سفرنامه‌ها را می‌توان در قصه‌های نویسندگان و اشعار شعرای همان عصر یا ادوار بعد باز یافت [۶، ص ۴۹].

بین سفرنامه‌ها، سفرنامه ابن بطوطه اطلاعات جامع و روشنی از بسیاری جوامع اسلامی و شرقی همچون ایران در قرن هشتم هجری به دست می‌دهد. ابن بطوطه گزارشی جذاب و دقیق از وضعیت معیشت مردم، وضع شهرها، صنایع و تولیدات، مدارس و خانقاه‌ها، آداب و رسوم مذهبی مردم و عملکرد طبقات حاکم ارائه می‌دهد. از جمله تصاویر نسبتاً روشن اقوام و ملل در این سفرنامه، تصاویر مربوط به زنان است که بنا به دلایل تاریخی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی نمود کمتری نسبت به مردان در آثار تاریخی و ادبی داشته‌اند. بنابراین، شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل تصاویر زنان در سفرنامه ابن بطوطه می‌تواند سیمای این طبقه از جامعه بشری را در قرن هشتم تا حدودی آشکارتر کند. همچنین این بررسی دلایل و علل نگرش ارزش‌گذارانه ابن بطوطه به زنان اقوام مختلف را روشن می‌کند.

در این پژوهش، برآنیم که براساس روش تحقیق در تصویرشناسی از یک سو انواع تصاویر زنان اقوام ترک، مغول، ایران، چین و هند را از سه منظر اوصاف ظاهری و آداب پوشش، ازدواج و حضور در جامعه معرفی و از سوی دیگر ارزش‌گذاری‌های ابن بطوطه از تصاویر و علل آن را شناسایی کنیم. این منظور از رهگذر پاسخ به این پرسش‌ها فراهم می‌شود:

پرسش‌های تحقیق

۱. ابن بطوطه از چه منظرهایی زنان کشورهای مناطق مورد بازدیدش را به تصویر کشیده است؟
۲. تصاویر و ویژگی‌های برجسته زنان اقوام مختلف در سفرنامه ابن بطوطه کدام است؟
۳. نگرش ارزش‌گذارانه ابن بطوطه به زنان اقوام مختلف چگونه است؟

پیشینه پژوهش

آثار مرتبط به این پژوهش را به دو بخش تقسیم می‌کنیم؛ نخست آثاری که به بررسی

1. Imagology

تصویر زنان در سفرنامه ابن بطوطه یا سفرنامه‌های دیگر پرداخته‌اند و دوم آثار نظری مرتبط به تصویرشناسی.

در بخش نخست، تنها مقاله‌ای که مستقیماً در ارتباط با این پژوهش است، مقاله «نقش و جایگاه زن در قرن هشتم با تکیه بر سفرنامه ابن بطوطه» از عطیه‌سادات طباطباییان [۹] است. در این مقاله، نویسنده سعی کرده است نمونه‌هایی پراکنده از موقعیت اجتماعی، وضعیت تعلیم و تربیت و پوشش زنان در برخی اقوام را از سفرنامه ابن بطوطه روایت کند. درحالی‌که در این پژوهش از طرفی ما از منظری جدید، یعنی تصویرشناسی، با رویکردی تحلیلی به مسئله نگرینماییم و از طرف دیگر نیز گفته‌های ابن بطوطه در پژوهش ما حدّ اشتراک کمی با این مقاله دارد.

خلیل پروینی مقاله‌ای با عنوان «تصویر ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه» نوشته که به نقل قول برخی از گفته‌های ابن بطوطه نسبت به ایرانیان اختصاص دارد و البته «زن» مسئله محوری در این پژوهش نیست. در حوزه تصویر زنان در آثار ادبی نیز، می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد: «تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن فضلان» نوشته احسان قبول و همکاران که از نظر روش و ساختار مقاله حاضر شبیه به این مقاله است [۱۲]؛ «تصویر ایزدبانوان در روایت‌های داستانی بهرام بیضایی» از رقیه وهابی دریاکناری و مریم حسینی؛ مقاله «تصویرشناسی زن‌وارگی در آثار لویی آراگون» اثر محمدتقی غیائی و شقایق نادری‌مقام [۱۱]؛ مقاله «تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن (تأملی در انگاره‌آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه‌نویس)» نوشته فرزانه علوی‌زاده [۱۰]، مقاله «تصویرشناسی دیگری در ادبیات خودی با تکیه بر داستان خسی در میقات از جلال آل‌احمد» نوشته عبدالله آلبوغبیش [۲]، مقاله «تصویرشناسی ادیبان ایران از نگاه ادیبان عرب (مطالعه مورد پژوهش: صاحب بن عباد از نگاه ابن نباته، سعدی و شریف رضی)» از زهرا افضلی [۴] و مقاله «تصویرشناسی ایرانیان در تاریخ هرودت» از احسان قبول و مینا روان‌سالار [۱۷].

اما در حوزه نظری این پژوهش می‌توان به مقاله «درآمدی بر تصویرشناسی؛ معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی» از بهمن نامور مطلق [۱۴] و مقاله «تصویرشناسی به‌منزله خوانش متون نثر معاصر فرانسه و فارسی» نوشته لاتیشیا نانکت [۱۵] اشاره کرد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله براساس روش پژوهش در تصویرشناسی ادبیات تطبیقی است. در این زمینه، نخست ویژگی‌های زنان اقوام و ملل گوناگون در سفرنامه ابن بطوطه را توصیف کرده‌ایم. سپس صفات و تصاویر برجسته زنان هر قوم را به تصویر کشیده‌ایم و در پایان عوامل اعتقادی، اقلیمی و شخصیتی مؤثر بر نگرش ابن بطوطه به زنان را بررسی کرده‌ایم. بنابراین، رویکرد نظری این پژوهش توصیفی-مقایسه‌ای-آماري است.

مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در رحله ابن بطوطه

سفرنامه ابن بطوطه دربردارنده اطلاعات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی دوره مهمی از فرهنگ و تمدن اسلامی و اقوام دیگر بشری در قرن هشتم است که بخشی از این اطلاعات درباره زنان اقوام مختلف است. گستره وسیع جغرافیایی سفرنامه ابن بطوطه، که از طنجه تا بنادر شرقی چین را دربرمی‌گیرد، نگاه نسبتاً جامعی را به پژوهش‌گر می‌دهد تا بتواند تصویر زنان را در میان اقوام قرن هشتم شناسایی کند. این تصاویر به دو نوع تقسیم می‌شود: نخست تصاویر مستقیم که ابن بطوطه مستقیماً آنچه را دیده توصیف و تصویر کرده است و در این میان گاه بزرگ‌نمایی‌هایی کرده و دوم تصاویر غیرمستقیم از زنان که وی حاصل شنیده‌هایش را روایت کرده است. این تصاویر در سه مؤلفه اوصاف ظاهری و آداب پوشش، ازدواج و آداب و رسوم آن و موقعیت اجتماعی زنان طبقه‌بندی شده است.

۱. اوصاف ظاهری و آداب پوشش

اوصاف ظاهری و پوشش زنان از مؤلفه‌هایی است که بسیار مورد نظر ابن بطوطه قرار گرفته است و تصاویر مستقیم آن‌ها را توصیف کرده است.

زنان عرب

زبید یکی از شهرهای بزرگ یمن است که ابن بطوطه درباره زنان آن چنین می‌نویسد:

زنان زبید در جمال و خوشگلی ممتازند. و روایتی از پیامبر اسلام (ص) درباره ایشان نقل می‌کند که به معاذ می‌گوید: «هروقت به وادی‌الخصیب (زبید) رسیدی بشتاب تا زودتر از آنجا درگذری، چه در آنجا زیبارویانند که به سیه‌چشمان بهشتی می‌مانند [۳، ص ۲].

همچنین درباره ویژگی‌های اخلاقی ایشان می‌گوید:

زنان زبیدی با آن همه جمال و دلربایی که گفتم دارای مکارم و اخلاق حسنه می‌باشند و مخصوصاً غریبان را بر مردم بومی ترجیح می‌دهند و هرگز مانند زنان ولایت‌های ما از ازدواج با غربا سر باز نمی‌زنند [۳، ص ۳۰۲].

از این عبارت می‌توان از یک‌سو به شناخت دیگری دست یافت که ترجیح ازدواج زنان زبیدی با غریبه‌ها بوده است و از سوی دیگر به شناخت زنان قوم ابن بطوطه دست یافت که از ازدواج با غریبه‌ها سر باز می‌زدند و نیز نگرش ابن بطوطه به این موضوع را می‌توان شناخت که او این رسم دیگری را نسبت به رسم خودی ترجیح می‌دهد. (۲) روشن است که نگاه ابن بطوطه از منظر مرد مسافری است که به روابط جنسی نیاز دارد و طبیعتاً این رسم زبیدیان را بهتر می‌داند. او در توصیف زنان مکه، علاوه بر زیبایی و آراستگی، بر عفت و پاک‌دامنی‌شان نیز تأکید می‌کند. تصویر عطر و بوی خوش زنان مکه در ذهن ابن بطوطه نقش بسته است و اهمیت آن را

برای ایشان تا حدی توصیف می‌کند که می‌گوید ممکن است زنی شب گرسنه بخوابد و پول شام خود را برای خرید عطر خرج کند [۳، ص ۱۹۰]. او با اشاره به شرکت زنان در آیین مذهبی طواف کعبه می‌نویسد:

زنان مکه شب‌های آدینه را به طواف کعبه می‌آیند و در این شب‌ها بهترین لباس‌های خود را می‌پوشند. بوی عطر سراسر حرم را فرامی‌گیرد و چون زنی از جایی عبور می‌کند، بوی عطر تا مدتی در رهگذر او باقی می‌ماند [۳، ص ۱۵۴].

تأکید بر پاکیزگی و بوی خوش زنان مکه می‌تواند ما را به این فرض برساند که زنان قوم ابن بطوطه بوی خوش و پاکیزگی کمتری داشته‌اند که این چنین مورد تأکید ابن بطوطه قرار گرفته است. همچنین، دلیل استفاده زنان مکه از عطر و پوشش لباس‌های آراسته و پاکیزه، به‌خصوص هنگام ورود به مسجدالحرام، می‌تواند به این توصیه قرآنی بازگردد که «یا بنی‌آدم خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف / ۳۱) و از این رفتار می‌توان به پایبندی این زنان به توصیه‌های قرآنی پی برد.

زنان ایرانی

از رهگذر توصیفات ابن بطوطه، تصویری نسبتاً روشن از زنان آن زمان ایران به‌دست می‌آید. وی زنان شهر شیراز را آراسته به زیور صلاح و سداد و دین و عفاف می‌داند و همچنین آنان برقع بر روی می‌افکنند. به‌طوری‌که چیزی از تن ایشان نمایان نمی‌شود و اهل صدقه و احسان‌اند [۳، ص ۲۱۷]. این گزارش ابن بطوطه بیانگر این است که زنان در نواحی جنوب ایران نوعی پوشش یک‌پارچه داشتند که همه بدنشان را می‌پوشاندند و ابن بطوطه که توصیف اندام‌های جنسی زنان اقوام مختلف بخشی از لذت زبانی اوست، به دلیل پوشش کامل زنان شیرازی نمی‌تواند توصیفی از اندام ایشان بیان کند؛ به این دلیل زنان را به صلاح و سداد و دین و عفاف توصیف می‌کند. (۴)

او زنان تبریز را در زیبایی و جمال بی‌همتا می‌داند که باید از این همه زیبایی به خدا پناه برد. وی علاوه بر آوردن این تصویر به چشم و هم‌چشمی زنان تبریزی اشاره دارد که در خرید جواهر بر همدیگر سبقت می‌جستند [۳، ص ۲۸۴]. با مقایسه توصیفات زنان شیرازی و تبریزی می‌توان دریافت که امکان توصیف تصاویر مستقیم از زیبایی زنان تبریزی نسبت به زنان شیرازی برای ابن بطوطه فراهم‌تر بوده است. تصویر جواهرات زنان تبریزی اهمیت این عنصر زیبایی‌بخش و اشرافی و دغدغه‌های سطحی را برای ایشان روشن می‌کند؛ هرچند بیانگر سطح اقتصادی مناسب مردم تبریز نیز است.

در مقابل، در خوارزم آنچه توجه ابن بطوطه را به خود جلب می‌کند ظاهر و پوشش ساده زنان است. وی در پایان مهمانی که ترابک برای ابن بطوطه ترتیب داده بود، پهلوی در زنی را دید جامه شوخ‌گین بر تن و مقنعه‌ای بر سر داشت و چند زن دیگر نیز با او بودند که ابتدا

ابن بطوطه به او التفاتی نمی‌کند، اما بعد فهمید که او خاتون بوده است [۳، ص ۴۴۰]. این تصویر ارائه‌شده نشان می‌دهد که زنان خوارزمی هرچند جایگاه و مقام بالایی داشتند، ظاهرشان ساده و بی‌پیرایه بوده است. این سادگی و بی‌پیرایگی بیانگر وضعیت اقتصادی نه‌چندان مناسب شهرهای شرقی ایران نسبت به شهرهای غربی ایران بوده که یکی از دلایل آن می‌تواند وسعت حمله مغولان به سرزمین‌های شرقی ایران باشد.

مجموع تصاویر ابن بطوطه از پوشش زنان سه شهر شیراز، تبریز و خوارزم ایران مثبت است و وی، برخلاف زنان دیگر اقوام، تصویری از ازدواج با مردان غریبه، روابط جنسی و اندام‌های جنسی ایشان ارائه نمی‌دهد و در مقابل بر پوشش کامل، فضایل اخلاقی و جایگاه اجتماعی ایشان تأکید می‌کند.

زنان آسیای جنوب شرقی (هند و چین) و روم

ابن بطوطه در تصویری که از زنان بلاد الروم (آسیای صغیر) ارائه می‌دهد، به پوشش و سفر رفتن ایشان اشاره می‌کند. چنان‌که در توصیف از این زنان می‌گوید:

زنان این نواحی در حجاب کامل نیستند. موقع عزیمت نیز همسایگان برای خداحافظی می‌آمدند و زنان از رفتن ما می‌گریستند [۳، ص ۳۴۵].

ابن بطوطه در راه چین از زیبایی زنان شهر مره، که تیره‌ای از هندیان‌اند و هیکلی درشت و تنومند و صورتی زیبا دارند، سخن می‌گوید و آنان را در لذت هم‌خوابگی و خوش‌بستری مشهور می‌داند. وی ضمن این توصیف، زنان این ناحیه را با زنان مالدیو مقایسه می‌کند و درباره خوش‌بستری ایشان می‌گوید:

زنان مره‌ته و ذبیة المهل (مالادیو) نیز همین مزیت را دارند [۳، ص ۱۸۱].

ابن بطوطه در تصویر دیگری زنان مالدیو را چنین توصیف می‌کند:

زنان جزایر مالادیو سر خود را نمی‌پوشند، بلکه‌شان نیز همین‌طور است. این زنان گیسوان خود را شانه زده آن را به یک‌سو جمع می‌کنند و اکثراً آن‌ها جز لنگی که از ناف تا پایین تنه آنان را می‌پوشاند جامه‌ای بر تن ندارند و باقی بدن آنان عریان است و به همین وضع در بازارها و سایر جاها راه می‌روند. چون من متصدی قضا شدم، خیلی کوشیدم که این عادت را از میان آنان براندازم و زنان را مجبور به پوشیدن لباس بکنم، اما کاری از پیش نبردم. در مواردی که زنی مرافعه‌ای داشت و می‌خواست به حضور من بیاید، اگر تن خود را نمی‌پوشاند، راهش نمی‌دادم، اما دیگر بیش از این کاری نتوانستم. بعضی از این زنان پیراهنی نیز زائد بر لنگ معمول بر تن می‌کنند و این پیراهن‌ها دارای آستین‌های کوتاه و عریض می‌باشد [۳، ص ۲۲۶].

از توصیفات ابن بطوطه علاقه او به توصیف اندام جنسی و زیبایی‌های ظاهری زنان این اقوام آشکار می‌شود؛ هرچند چنان‌که خود می‌گوید گاه براساس عقاید دینی‌اش در پی اصلاح پوشش این زنان براساس معیارهای اسلامی است.

از دیگر اموری که ابن بطوطه درباره این زنان می‌گوید توجه و بیان کردن زیورآلات زنان این

جزایر است که عبارت است از: دستبندهای سیمین که هر زن تعدادی از آن را به دست می‌کند؛ به‌طوری‌که از مچ تا آرنج او را فرامی‌گیرد، دستبندها مخصوص زنان و خویشاوندان سلطان است. زنان خلخال‌هایی نیز دارند که «بایل» نامیده می‌شود و گردنبندهای طلایی به نام «بسدرد» که در روی سینه قرار می‌گیرد [۳، ص ۲۲۶].

در تصویری دیگر، یکی از عادت‌های زشت و بد سیاهان را حضور بدون لباس و پوشش در جامعه معرفی می‌کند:

از کارهای زشت سیاهان یکی این است که خدام و کنیزکان و دختران خردسال آنان لخت و عور در میان مردم می‌آیند و عورت خود نمی‌پوشانند. من در ماه رمضان بسیاری از آنان را به این هیئت می‌دیدم. دیگر از آداب نکوهیده آنان این است که زن‌ها لخت و عور پیش سلطان می‌روند و دختران سلطان همه برهنه می‌باشند. من خود شب بیست و هفتم رمضان در حدود صد تن کنیز دیدم که از قصر سلطان طعام می‌پرند و همه لخت و عور بودند و دو تن از دختران سلطان نیز با آنان بودند که نار پستانشان دمیده بود و باین‌حال پوششی نداشتند [۳، ص ۳۵۹].

در آسیای جنوب شرقی، در کشور برهنگار، علاوه بر توصیف زیبایی به وضعیت پوشش زنان این ناحیه هم توجه می‌کند و می‌گوید:

زنانشان بسیار زیبا هستند و با برگ‌های درخت خود را می‌پوشانند. آنچه از مسلمانان شنیدیم مردم آن نواحی مانند بهایم جماع می‌کنند و هیچ‌گونه پرده‌پوشی در این باب لازم نمی‌دانند. یک مرد ممکن است تعداد سی یا کمتر یا بیشتر زن داشته باشد. زنا در میان آنان نیست. مجازات مردی که مرتکب زنا شود این است که او را به دار می‌آویزند تا بمیرد؛ اما اگر زن مرتکب شود، مجازاتش این است که به فرمان سلطان تمام خدام در حضور وی یکایک با آن زن جماع می‌کنند؛ چنان‌که زن خطاکار قالب از جان تهی سازد و آن‌گاه جسد وی را در دریا می‌اندازند [۳، ص ۲۷۴].

این‌گونه توصیفات ابن بطوطه را از توصیفات غیرمستقیم او می‌دانیم. او در اینجا صرفاً مجازات زناکار را روایت کرده و با چنین صحنه‌ای روبه‌رو نشده است؛ زیرا طبق گفته‌اش زنایی در میان این قوم پدید نمی‌آید. درباره زنان هنور می‌نویسد:

زنان این شهر و سایر شهرهای ساحلی جامه دوخته نمی‌پوشند، بلکه پارچه ندوخته‌ای را به جای لباس استعمال می‌کنند. یک طرف آن را به کمر می‌بندند و باقی را بر سر و سینه خود می‌اندازند. این زنان بسیار عقیف و زیبا هستند و حلقه زرین در بینی می‌کنند و از امتیازات آنان این است که همه قرآن را از حفظ دارند [۳، ص ۲۰۰].

نگرش مثبت ابن بطوطه به زنان این قوم به پیش‌فرض‌های مذهبی و دینی او بازمی‌گردد و عفت و از حفظ بودن قرآن باعث می‌شود به ایشان نگرش مثبت داشته باشد. می‌توان به رویکردی دوگانه درباره تصاویر ابن بطوطه از پوشش زنان پی‌برد. هرگاه که پوشش زنان با عقاید مذهبی او سازگاری دارد، با آوردن صفاتی پسندیده نگاه ارزش‌گذارانه مثبتش را بیان می‌کند و اما از توصیف جزئیات جنسی زنان و لذتی که او از این طریق بیان می‌کند می‌توان به التذاذ

زبانی ابن بطوطه از این تصاویر پی برد. کاربرد قیدهایی مثل «همه» در این عبارت که «همه» زنان این قوم قرآن را حفظ بودند» از یک سو بیانگر نگاه انفعالی ابن بطوطه به تصاویر غیرمستقیم است و از سوی دیگر توصیفات مبالغه آمیز ابن بطوطه است، زیرا طبیعتاً او نه همه زنان این قوم را دیده و نه همه قرآن را از ایشان پرسیده است.

در مالی درباره زنان قبایل بردامه می گوید:

زنان قبیله مقدم بر مردان می باشند و اهمیت بیشتری دارند. زنان این قبیله در جمال به کمال اند و صورتی بدیع دارند با رنگ سفید و روشن و اندامی چاق. من در هیچ جا زنانی به فرهی آنان ندیده ام. غذای این زنان از شیر گاو و بلغور ذرت است که با آب مخلوط می کنند و آن را همین طور خام و ناپخته هر صبح و شام می خورند [۳، ص ۳۶۵].

توجه به ظاهر و نوع پوشش و خوراک زنان این منطقه از نکات حائز اهمیت این تصویر ارائه شده است.

براساس توصیفات ابن بطوطه درباره اوصاف ظاهری و آداب پوشش سه قوم عرب، ایرانی، آسیای جنوب شرقی جدول ذیل قابل برداشت است:

جدول ۱. توصیفات ابن بطوطه و نگاه ارزش گذارانه وی به اقوام عرب، ایرانی و آسیای صغیر درباره

اوصاف ظاهری و آداب پوشش

عرب	ایرانی	آسیای صغیر (هند و چین)
زیبایی ظاهری	استفاده زنان شیرازی از برقع و نقاب	کم حجابی و بعضاً برهنگی - زنان این نواحی (۴ تصویر)
اخلاق نیکو و ازدواج با غریبه ها	پوشش همه قسمت های بدن	هیكل درشت و صورت زیبا + (۴ تصویر)
مصرف بسیار عطر زنان مکه	زیبایی زنان تبریزی	استفاده از زیورآلات ×
پوشیدن بهترین لباس ها هنگام ورود به مسجدالحرام	چشم و هم چشمی زنان تبریزی + در استفاده از جواهرات	اشاره به سفیدی و زیبایی و چاقی زنان قبایل بردامه +
	پوشش ساده زنان خوارزمی	خوراک زنان بردامه از شیر گاو و بلغور ذرت +
	صدقه و احسان زنان شیراز	نپوشاندن اندام های جنسی -
		مجازات سنگین زناکار +
		روابط جنسی آزاد و آشکار - میان سیاهان

در مجموع، ۴ تصویر مثبت از زنان عرب قابل جمع‌بندی است. دلیل این نگاه کاملاً مثبت می‌تواند به قومیت یکسان ابن بطوطه با ایشان و نیز فضای مذهبی شهر مکه بازگردد. البته ویژگی‌های مثبت واقعی این زنان در تصویرپردازی مثبت ابن بطوطه نیز مؤثر بوده است. از زنان ایرانی ۵ تصویر ارائه کرده که ۳ تصویر مثبت، یک تصویر منفی و یک تصویر خنثی است. تصویر منفی برگرفته از صفت چشم و هم‌چشمی است و تصویر خنثی پوشش ساده زنان خوارزم است. اما تصاویر مثبت به خصایص اصلی زنان ایرانی به خصوص شیرازی باز می‌گردد. تصاویر مرتبط به زنان آسیای صغیر ۸ تصویر است که شاهد ۳ تصویر منفی، ۴ تصویر مثبت و یک تصویر خنثی هستیم. البته تصاویر مرتبط به برهنگی و اندام‌های زنان هریک در ۴ تصویر مجزا آمده است که اولی منفی و دومی مثبت است. تصاویر منفی زمانی بروز می‌کند که به مسائل جنسی مرتبط باشد و دلیل آن مغایرت این تصاویر با اعتقادات دینی ابن بطوطه است، اما وی هرجا از زیبایی ظاهری زنان سخن گفته، تصاویر مثبتی ارائه کرده است.

۲. ازدواج و آداب و رسوم آن

عرب‌ها

یکی از مسائلی که ابن بطوطه در توصیفات خود به آن توجه داشته است مسئله ازدواج و آداب و رسوم مربوط به آن بوده است.

آنچه در توصیفات ابن بطوطه درباره زنان نواحی بیروت به چشم می‌خورد، رسوم مربوط به جهیزیه است و این نشان‌دهنده رسم جهیزیه‌دادن به دختران است که امروزه نیز این رسم در مناطق مختلف اجرا می‌شود. براساس تصاویر ارائه‌شده از بیروت، رسم چنان است که همراه دختر مقداری جنس به عنوان جهیزیه به خانه داماد می‌فرستند و قسمت عمده آن را ظروف مسی تشکیل می‌دهد و این موضوع در میان آنان مایه تفاخر و چشم و هم‌چشمی است [۳، ص ۱۰۲]. همچنین، در شهر دمشق درباره موقوفه‌های آن شهر سخن می‌گوید که یک دسته از موقوفه‌ها هست که از محل درآمد آن برای دختران فقیر که می‌خواهند شوهر کنند جهیزیه تهیه می‌شود [۳، ص ۱۴۲]. در تصاویر ارائه‌شده از زنان زبیدی از رسم ازدواج زنان زبیدی با غریبه‌ها سخن می‌گوید که زنان زبیدی غریبه‌ها را بر مردم بومی ترجیح می‌دهند و مانند زنان شهر او از ازدواج با غریبه‌ها سر باز نمی‌زنند [۳، ص ۳۰۲]. این توصیف می‌تواند نشان‌دهنده تعصب‌نداشتن و آزادی انتخاب زنان این منطقه باشد که حتی مردان بیگانه را بر مردان خودشان ترجیح می‌دهند و این رسم از نگاه ابن بطوطه نوعی مکارم اخلاقی توصیف شده است. در تصاویر ارائه‌شده از زنان زبیدی، نکات مثبت دیگری همچون کفالت بچه در غیاب پدر، مطالبه نکردن نفقه برای ایام غیبت شوهر، قناعت این زنان در مخارج و عدم ترک وطن قابل توجه است [۳، ص ۲۴۱].

زنان مالديو و جاوه (آسيای جنوب شرقی)

ابن بطوطه به ازدواج آسان در جزایر مالديو اشاره کرده و علت را میزان مهریه بسیار کم یا ندادن مهریه بیان می‌کند، ولی ضمن این توصیفات زنان این مناطق را بسیار خوش‌معاشرت توصیف می‌کند. اشاره به ازدواج موقت و صیغه از دیگر رسوم است که ابن بطوطه به‌عنوان تصویری مثبت از آن یاد می‌کند. وی می‌گوید:

هنگامی که کشتی‌ها به این جزایر برسند، سرنشینان و مسافران با زنان آنجا ازدواج می‌کنند و هنگام بازگشت طلاقشان می‌دهند و این نوعی از نکاح متعه (صیغه) می‌باشد. این زنان حاضر نیستند کشور خود را ترک گویند و من در دنیا زن‌هایی به این درجه حسن معاشرت ندیده‌ام [۳، ص ۲۲۷].

ابن بطوطه در ضمن این توصیفات از رسوم مثبت دیگری خبر می‌دهد:

زن در میان آنان هرگز خدمت شوهر خود را به کسی دیگر محول نمی‌کند. خود پیش او غذا می‌آورد و خود غذا را برمی‌چیند و دست او را می‌شوید و برای وضو آب می‌آورد و هنگام خواب پاهای او را می‌مالد. از رسوم آنجا این است که زن هیچ‌وقت با شوهر خود غذا نمی‌خورد و اصلاً مرد نمی‌داند که زن چه می‌خورد. من در آنجا چند زن داشتم. یکی از آنان بعد از خواهش زیاد حاضر شد با من غذا بخورد، ولی دیگری حاضر نشد و نتوانستم غذا خوردن او را ببینم و هر حيله که به کار بستم نتیجه نداد [۳، ص ۲۲۷].

آنچه درخور تأمل است این است که ابن بطوطه در مشاهده این نوع فرهنگ و در مقایسه با فرهنگ خود تفاوت‌های آشکاری را مشاهده کرده و از آن به‌منزله رسمی مثبت و خوب یاد کرده است. همچنین، ازدواج‌های متعدد ابن بطوطه در این جزایر درخور توجه است که در مدت هفتاد روز در جزیره ملوک دو بار ازدواج می‌کند [۳، ص ۲۴۴].

از تصاویر دیگری که ابن بطوطه از زنان جزایر مالديو ارائه می‌کند، و حتی در منصب قضاوت سعی در حذف و تغییر آن را دارد، ممنوعیت ماندن زنان طلاق‌گرفته در خانه شوهران سابقشان بود. او می‌گوید:

اول کاری که از عادات و رسوم نکوهیده آنان تغییر دادم این بود که زانی که طلاق می‌گرفتند تا شوهر دیگر پیدا نمی‌کردند در خانه شوهر سابق خود می‌ماندند. من این کار را قدغن کردم. در حدود ۲۵ تن از مردانی که زنان مطلقه خود را در خانه خویش نگه داشته بودند شلاق زدم و در بازار گرداندم و زنان را از خانه‌هایشان اخراج کردم و دیگر اینکه بسیار کوشیدم زنان را مجبور به پوشیدن لباس کنم، لیکن در این کار توفیق نیافتم [۳، ص ۲۳۸-۲۳۹].

در اینجا ابن بطوطه به برخی از کوشش‌هایش برای تغییر سنت مردم این منطقه، مانند پوشاندن لباس بر تن زنان، اشاره می‌کند؛ اما خود اذعان دارد توفیقی در این باره به دست نمی‌آورد. اقدام به تغییر رفتار و رسوم مردم مالديو به دلیل تفاوت آن‌ها با پیش‌فرض‌های ذهنی ابن بطوطه است و تن‌دادن ایشان به احکام ابن بطوطه به دلیل ریشه‌دار شدن این سنت‌ها و نیز شرایط آب‌وهوایی در میانشان است.

از نکات درخور توجه دیگری که ابن بطوطه در منطقه جاوه شاهد آن بود و برایش تازگی داشته این است که دختران در ازدواج حق انتخاب نداشته و هر دختری که سلطان او را انتخاب می‌کرده باید با سلطان ازدواج می‌کرده است. وی می‌گوید:

عادت این کشور چنین است که دختر هرکس، اعم از امیر یا بازاری یا غیره، به سن ازدواج رسیده باشد، باید بر سلطان عرضه شود و سلطان چند تن از زنان را برای دیدن دختر می‌فرستد. اگر از اوصاف او خوشش آمد، خود با او ازدواج می‌کند؛ وگرنه ولی دختر مختار است که او را به هرکسی که بخواهد شوهر دهد. مردم این کشور نوعاً مایل هستند که دخترشان مورد پسند شاه واقع شود، زیرا که این امر بهترین وسیله برای نیل به جاه و مقام می‌باشد [۳، ص ۲۸۰].

همچنین، درباره زنان مسوفی صحبت می‌کند و می‌گوید:

ساکنان شهر ایالاتن در راه مالی را «مسوفی‌ها» تشکیل می‌دهند. زنان مسوفی‌ها از مردان احتراز ندارند و روی خویش نمی‌پوشانند، اما نماز را هم ترک نمی‌کنند. اگر غریبی بخواهد در آن شهر زن بگیرد، می‌تواند، ولی این زنان همراه شوهر به مسافرت نمی‌روند و اگر زن راضی به مسافرت باشد، خانواده‌اش مانع می‌شوند. زنان این ناحیه دوستان و رفیقانی از مردان بیگانه برای خود می‌گیرند که هیچ‌گونه رابطه خویشاوندی در میانشان نیست. مردان آنجا هم از زنان اجنبی رفیقه‌هایی برمی‌گزینند و غالباً اتفاق می‌افتد که کسی در خانه می‌آید و زن خود را با رفیق وی می‌یابد و اعتراضی نمی‌کند [۳، ص ۳۴۴].

یکی از نکات اصلی این تصاویر تعارض‌های گسترده فرهنگی و اجتماعی در مقایسه با ذهنیت و نگرش فرهنگی و اجتماعی ابن بطوطه است و شاهد این هستیم که هرچا این‌گونه تفاوت‌ها زیاد می‌شود، ابن بطوطه با جزئیات بیشتری آن را بیان می‌کند و در برابر آن نیز واکنش نشان می‌دهد. گاهی نیز آن را با فرهنگ حاکم بر جامعه خویش مقایسه کرده است. اشاره به روابط آزاد بین زن و مرد در این نواحی یکی از همین تعارض‌هاست که ابن بطوطه به آن پرداخته است.

درباره زنان قبیله برامه از مالی نیز می‌گوید:

هرکسی بخواهد با آنان ازدواج کند، باید در یکی از نزدیک‌ترین شهرها مسکن گزیند و به‌رحال نمی‌تواند زن خود را از منطقه کوکویا ایالاتن فراتر ببرد [۳، ص ۳۶۵].

یکی از موضوعات مشترکی که ابن بطوطه درباره این اقوام تکرار می‌کند اجازه ازدواج دختران با غریبه‌هاست، اما اجازه ترک سرزمین با شوهر را نمی‌دهند، زیرا می‌دانستند امکان بازگشت دوباره دخترانشان بسیار کم است و از تأکید ابن بطوطه بر این تصویر این گمان پیش می‌آید که در سرزمین وی این سخت‌گیری کمتر بوده است.

براساس توصیفات ابن بطوطه درباره آداب و رسوم ازدواج در مناطق مورد بازدیدش، ویژگی‌های دو قوم عرب، آسیای جنوب شرقی و آسیای صغیر در جدول ۲ قابل برداشت است:

جدول ۲. توصیفات ابن بطوطه و نگاه ارزش‌گذارانه وی به اقوام عرب و آسیای صغیر درباره آداب و

رسوم و ازدواج

عرب	آسیای صغیر (هند و چین)
بردن جهیزیه و ظروف مسی در بیروت	+ ترک نکردن وطن همراه با شوهر
تفاخر و چشم و هم‌چشمی در جهیزیه دادن	+ مرسوم بودن ازدواج با غریبه در مالدیو
موقوفه‌ها و نقش آن در تهیه جهیزیه برای دختران فقیر در دمشق	+ ازدواج آسان با مهریه کم
امکان ازدواج زنان زبیدی با غریبه‌ها و آزادی آنان در انتخاب همسر	+ مرسوم بودن ازدواج موقت
کفالت فرزندان به زنان زبیدی در غیاب همسر	+ معاشرت نیکوی زنان با همسرانشان
مطالبه نکردن نفقه	- ادامه سکونت زنان طلاق گرفته با شوهرانشان تا ازدواج بعدی‌شان
قناعت زنان در مخارج	- اختیار نداشتن دختران جاوه در ازدواج و امکان ازدواج پس از انتخاب سلطان از میانشان
اجازه نداشتن ترک وطن همراه با شوهر	+ آزاد گذاشتن روابط زن و مرد از سوی مردان ایوالاتین

ابن بطوطه از زنان عرب ۸ تصویر ارائه می‌کند که فقط یکی از آن‌ها منفی است و نگرش ابن بطوطه به زنان عرب عموماً مثبت است. این غلبه نگاه مثبت به همان قومیت یکسان وی با ایشان بازمی‌گردد. تصویر منفی نیز اخلاقی نیست، بلکه مربوط به آیین و رسوم است که از نظر وی تفاخر و تکلف در جهیزیه دادن است. درباره زنان آسیای صغیر و هند و چین ۸ تصویر ارائه شده که ۵ تصویر آن مثبت و ۳ تصویر دیگر منفی است. منشأ تصاویر منفی تعارض‌های فرهنگی و مذهبی است که ابن بطوطه در این مناطق شاهد آن بوده است و تصاویر مثبت به انگیزه‌های شخصی وی برای ازدواج ساده و موقت بازمی‌گردد.

۳. موقعیت اجتماعی زنان

زنان ایرانی

موقعیت اجتماعی زنان در تصاویری که ابن بطوطه ارائه کرده یکسان نیست. این مسئله به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه بستگی دارد. در توصیف زنان ایرانی، حضور پررنگ زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی درخور تأمل است. وی درباره زنان شیراز می‌گوید:

زنان شیرازی صدقه و احسان زیاد می‌دهند و از غرایب رسوم ایشان این است که روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه و جمعه در جامع بزرگ شهر برای استماع بیانات وعظ گرد می‌آیند و گاهی عده حاضرین این مجلس به هزار یا دو هزار تن می‌رسد و از شدت گرما هرکدام با بادی‌بزی به دست که خود را باد می‌زند و من در هیچ شهری ندیدم که اجتماعات زنان به این انبوهی باشد [۳، ص ۲۵۱].

تشکیل این گونه اجتماعات بیانگر آزادی عمل زنان ایرانی در جامعه آن روزگار برای شرکت در فعالیتهای اجتماعی است. همچنین این تصویر که در جای دیگری از سفرنامه ابن بطوطه قابل مشاهده نیست، سطح بالای فرهیختگی و تعلقات مذهبی زنان شیرازی را نسبت به زنان دیگر ملل نشان می‌دهد.

در شرق ایران، یعنی خراسان، نیز زنان از منزلت اجتماعی برخوردار بودند. آن‌ها استقلال و حقوق مادی داشتند. چنان‌که خاتون ترابک (همسر امیر قطلو دمو) زنی صاحب مکارم بود. وی خانقاهی برای اطعام مسافران بنا کرده و در زمان ابن بطوطه مهمانی برای او ترتیب داده بود [۳، ص ۲۶۱]. در خوارزم نیز، زن مسلمان حقوقی انسانی همچون حق اداره منابع مالی را دارد و می‌تواند به اختیار دارایی خود را خرج امور خیریه و نذورات کند. بنابراین، تصاویر زنان مانند عموم زنان اقوام دیگر، تصویری منفعل و خنثی نیست، بلکه ایشان دارای اختیار و استقلالی هستند که می‌توانند در امور مختلف مانند مردان حضور و نقش بسزایی داشته باشند. از مجموع تصاویر زنان ایرانی این جمع‌بندی حاصل می‌شود که وضعیت مناسب مالی، آزادی عمل و شخصیت فرهنگی این زنان توجه ابن بطوطه را جلب و آن تصاویر را با دیدی مثبت توصیف کرده است؛ خواه به دلیل غریب و نو بودن برای ابن بطوطه خواه به نسبت محل سکونتش یا بلاد دیگر.

ترکان و مغولان

توصیفات ابن بطوطه از زنان ترک و مغول نیز نشان از جایگاه بالای زنان در آن جامعه دارد. وی در ارائه تصویری از آنان می‌گوید:

مقام زن پیش ترک‌ها و مغولان خیلی بلند و محترم است؛ چنان‌که بر فراز فرامین شاهی می‌نویسند به فرمان سلطان و خواتین... هریک از خاتون‌ها شهرها و ولایت‌ها با عواید فراوان در دست دارند و در مسافرت‌ها که با سلطان می‌کنند اردوی هر خاتونی جداست [۳، ص ۲۸۰].

هرچند این تصاویر بیشتر مختص زنان درباری است، از دیگر تصاویر ابن بطوطه می‌توان دریافت که زنان طبقه میانی نیز جایگاهی محترم برای مردان داشته‌اند:

زن ترک به همین وضع به بازار می‌آید و بسا که شوهر خاتون هم همراه اوست، لیکن هرکس او را ببیند، خیال می‌کند که از جمله پیش خدمت‌های زن است، زیرا وضع او بالنسبه به وضع خاتون محقر می‌نماید [۳، ص ۴۰۱].

در تصویری دیگر، ابن بطوطه مقام زنان را حتی بالاتر از مردان بیان می‌کند و می‌گوید:

چیزی که در این بلاد مایه تعجب فراوان بود احترامی بود که به زنان خود می‌کردند. مقام زن در میان این مردم بالاتر از مقام مرد است. سرپای ارابه با روپوش کبودرنگ عالی تزیین شده و پنجره‌های آن باز بود. پیش روی خاتون چهار کنیز بسیار خوشگل با لباس‌های فاخر نشسته بودند و به دنبال ارابه او ارابه‌های دیگر کنیزان ملتزم رکاب را حمل می‌کردند. زنان

بازاریان و مردمان متوسط را هم دیدم که معمولاً هریک بر اربه سوارند و سه چهار کنیز دارند که دامن لباسشان را به دست می‌گیرند [۳، ص ۴۰۱].

این گونه توصیفات تعجب‌آمیز ابن بطوطه از زنان ترکی بیانگر مغایرت آداب و رسوم و نگرش جامعه او به زنان نسبت به ترکان است. چنین تصاویر مثبت از زنان را به‌اختصار درباره زنان شهر قسطنطنیه (استانبول) نیز شاهدیم؛ بیشتر ایشان از پیشه‌وران‌اند که کلیساهایی مخصوص زنان آن ناحیه نیز دارند [۳، ص ۴۲۳].

زنان هند و چین

طبق توصیفات ابن بطوطه، زنان نیز امکان تحصیل و آموزش داشتند و دبستان‌های دخترانه بسیاری در شهر هنور بود که سیزده دبستان دخترانه در این شهر مشاهده کرده است [۳، ص ۲۰۰]. همچنین، از زنان کارگری خبر می‌دهد که برای خدمت در خانه‌ها اجیر می‌شوند؛ یعنی هریک از آنان در مقابل مبلغی پول، که پنج دینار یا کمتر است، قبول خدمت می‌کنند و این امر را عیب نمی‌دانند. مخارج این مستخدمان برعهده کسی است که آنان را اجیر کرده است. اغلب دخترها همین کار را می‌کنند و بسا می‌بینی که در خانه یکی از توانگران ده یا بیست تن از آنها مشغول خدمت‌اند. این دختران ظروفی را که بشکنند باید قیمت آن را از دستمزد خود بپردازند و وقتی یکی بخواهد خانه ارباب خود را ترک کند و به خانه دیگری برود، پولی را که به او بدهکار است از صاحب‌خانه جدید می‌گیرد و به او می‌پردازد و به همان مبلغ در برابر ارباب تازه بدهکار می‌شود و اغلب کار این دخترها رشتن قبر است [۳، ص ۲۲۷].

ابن بطوطه نیز چندین بار شاهد سوزاندن مردگان در هند بوده است. در هندوستان، اولین چیزی که ابن بطوطه را تحت تأثیر قرار داد مراسم ساتی بود؛ مراسمی که زن همراه با شوهر مرده‌اش سوزانده می‌شد. وی درباره این مراسم به صورت تفصیلی تصاویری را ارائه می‌دهد و می‌نویسد:

در مذهب هندویان سوزاندن زن مرده واجب نیست؛ اما عملی است که مایه افتخار خانواده زن است و دلیل وفاداری زن به شوهر است.

زنان هندو از سه روز پیش از سوزانده شدن به آواز و شادی می‌پردازند و در روز چهارم خود را زینت و معطر می‌کنند و با رغبت خود را در آتش می‌افکنند [۳، ص ۴۷۲]. به دلیل شگفت‌انگیز بودن این تصویر و مغایرت کامل آن با نگرش و تجربه ابن بطوطه، وی با نگاهی شگفت‌زده و البته منفی آن را توصیف می‌کند.

در توالسی (نزدیک چین) آنچه توجه ابن بطوطه را به خود جلب می‌کند سوارکاری زنان و مهارت در تیراندازی است که دوشادوش مردان به جنگ می‌روند [۳، ص ۲۸۵]. ابن بطوطه به دلیل اینکه جنگاوری زنان را فقط در این منطقه دیده است، آن را برجسته توصیف می‌کند.

یکی دیگر از حوزه‌های فعالیت‌های زنان هند، حضور در فعالیت‌های سیاسی بود. طبق

توصیفات ابن بطوطه، پادشاه هند برای هریک از امرای بزرگ یا کوچک غلامی را برگماشته است که همیشه ناظر رفتار او باشد و جزئیات اعمال وی را به شاه گزارش دهد. همچنین، عده‌ای از کنیزان خانه‌های امرا و عده‌ای از زنان جاروکش‌اند که برای سلطان جاسوسی می‌کنند. این جارویشان بی‌خبر در خانه‌ها وارد می‌شوند و اطلاعاتی از کنیزان می‌گیرند و به‌وسیله رئیس کارآگاهان به سلطان گزارش می‌کنند [۳، ص ۱۲۶].

در جزایر مالدیو، دیدن پادشاه زن باعث تعجب ابن بطوطه شده بود و این مسئله را از عجایب این جزایر می‌داند که پادشاهشان زن است و او خدیجه نام دارد که دختر سلطان جلال‌الدین عمر پسر سلطان صلاح‌الدین صالح بنگاله‌ای است [۳، ص ۲۲۹].

در اینجا نیز ابن بطوطه روی آن دسته از ویژگی‌های زنان هندی متمرکز می‌شود که در سرزمین خود یا دیگر جای‌ها با آن روبه‌رو نشده است؛ همچون پادشاهی زنان.

براساس توصیفات ابن بطوطه درباره فعالیت‌های اجتماعی زنان در مناطق مورد بازدیدش، ویژگی‌های سه قوم ایرانیان، ترکان و مغولان و آسیای جنوب شرقی در جدول ۳ قابل برداشت است:

جدول ۳. توصیفات ابن بطوطه و نگاه ارزش‌گذارانه وی به اقوام ایرانی، ترک و مغول درباره فعالیت‌های اجتماعی زنان

ایرانی‌ها	ترکان و مغولان	هند و چین
حضور پررنگ در مجالس وعظ	برخورداری خاتون‌ها از ولایت‌هایی دارای درآمد فراوان	امکان تحصیل و آموزش حتی برای دختران هنور +
اهل صدقه و احسان زیاد	آمدن نام زنان در فرامین شاهی	سوزاندن جسد زن به همراه شوهر -
دارای استقلال و حقوق مادی	شرکت در فعالیت‌های اجتماعی	مهارت تیراندازی و سوارکاری زنان +
شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و منزلت بالای اجتماعی		فعالیت‌های سیاسی و جاسوسی زنان پادشاه ×

آن‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ۴ تصویر مثبت برای ایرانیان، ۳ تصویر مثبت برای زنان ترک و مغول و ۴ تصویر برای زنان هند و چین ارائه شده است که تنها تصویر سوزاندن زنان در هند منفی است. همچنین، در خلال تصاویرش گاهی از فعالیت‌های زنان مانند دیدن پادشاه زن یا حضور گسترده زن در اجتماع بسیار تعجب می‌کند که نشان‌دهنده تعارض میان فرهنگ حاکم بر جامعه ابن بطوطه و فرهنگ دیگری است که با صفتهایی چون اعجاب و شگفتی خود را نشان می‌دهد.

نتیجه گیری

از رهگذر بررسی تصاویر زنان در سفرنامه ابن بطوطه به این نتیجه می‌رسیم که مؤلفه‌های اوصاف ظاهری و نحوه پوشش آنان، آداب و رسوم ازدواج، روابط زن و مرد در این مناطق، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و پرداختن به محاسن اخلاقی مورد توجه ابن بطوطه بوده است و تصاویر مورد مشاهده‌اش را توصیف کرده است.

از مجموع ۴۶ تصویر ارائه‌شده در حله درباره زنان، ۱۸ تصویر مربوط به اوصاف ظاهری است که ۱۲ تصویر آن مثبت بوده است. اینکه ابن بطوطه بیشترین میزان تصاویر زنان (۳۹ درصد) را به پوشش ایشان اختصاص داده است بیانگر اهمیت نشانه‌های ظاهری زنان برای اوست. با توجه به اینکه مبنای قضاوت ابن بطوطه درباره پوشش زنان بر پایه اعتقادات مذهبی و سنت‌های اجتماعی حاکم بر جامعه‌اش بوده است، ۶۶ درصد تصویر مثبت از پوشش زنان اقوام مختلف بیانگر هم‌سویی کلی آن با پوشش مد نظر ابن بطوطه است. درباره آداب ازدواج هم ۱۶ تصویر ارائه شده که ۱۲ تصویر مثبت است. ارائه ۷۵ درصد تصویر مثبت درباره ازدواج بیانگر رضایت‌مندی ابن بطوطه در این باره است. درباره شرکت در فعالیت‌های اجتماعی زنان، از مجموع ۱۲ تصویر، ۱۰ تصویر مثبت (۸۳ درصد) است که بیانگر غلبه نگاه مثبت ابن بطوطه بر نگرش منفی یا خنثی اوست.

در مجموع، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ۷۳ درصد از تصاویر مربوط به زنان در سفرنامه ابن بطوطه مثبت و ۱۹ درصد آن منفی و ۸ درصد خنثی است. تصاویر مثبت عموماً زمانی شکل می‌گیرد که با اعتقادات مذهبی یا پیش‌فرض‌های ابن بطوطه یا اخلاق عمومی سازگاری دارد و تصاویر منفی نقطه مقابل آن است.

از تصاویر مد نظر ابن بطوطه توجه به ظاهر زنان، به‌خصوص زیبایی‌های ایشان، است که به صورت جزئی‌نگرانه به آن‌ها پرداخته است. ازدواج و پرداختن به رسوم مرتبط با آن، از جمله مهریه و جهیزیه، نیز در نوشته‌های این سفرنامه‌نویس دیده می‌شود. از جنبه‌هایی که این نویسنده به آن پرداخته است روابط آزاد زن و مرد در مناطق غیرمسلمان و بی‌حجابی و بی‌پردگی آنان است. شرکت در فعالیت‌های اجتماعی از موضوعات مورد علاقه ابن بطوطه است که در بخش عمده سفرنامه از حضور فعال زنان مناطق مورد بازدیدش در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی آموزشی و تعلیمی خبر می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که در برخی مناطق مدارس دخترانه نیز دیده می‌شود.

مؤلفه	ابن بطوطه	نتایج
اوصاف ظاهری و نوع پوشش	پرداختن به زیبایی ظاهری با جزئیات فراوان	۱۸ تصویر
	توصیف زیورآلات	+ ۱۲
	محاسن اخلاقی	- ۴
	روابط آزاد زن و مرد و بی‌حجابی	× ۲
ازدواج و آداب و رسوم آن	پرداختن به نحوه ازدواج زنان	۱۶ تصویر
	رسوم مرتبط با دادن جهیزیه به دختران	+ ۱۲
	مهریه زنان	- ۴
فعالیت‌های اجتماعی	شرکت در فعالیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی	۱۲ تصویر
	و آموزشی و فرهنگی	+ ۱۰
		- ۱
		× ۱

یادداشت‌ها

۱. تصویرشناسی دانشی است که در پی آن است تا از متون مختلف ادبی، به‌ویژه سفرنامه‌ها، به شناسایی چهره کشورهای دیگر بپردازد. به عبارتی، تصویر «دیگری» را از منظر سفرنامه‌نویسی که به کشور و فرهنگ دیگر وابسته است شناسایی و ترسیم کند و از این رهگذر به شناخت ویژگی‌های جامعه‌ای که به مردم دیگر می‌نگرد دست یابد؛ جامعه‌ای که سفرنامه‌نویسان نماینده آن‌اند. بنابراین، تصویرشناسی به دنبال شناخت نگرش «من» از دیگری است. این دانش در زیرمجموعه مکتب ادبیات تطبیقی و نظریه فرانسوی آن قرار می‌گیرد که در آغاز در قالب تصویر اقوام دیگر در ادبیات کشوری دیگر مطرح می‌شد؛ اما با تکامل ادبیات تطبیقی این حوزه نیز استقلال یافت و در جایگاه دانشی میان‌رشته‌ای مطرح شد و هم‌اکنون از اهمیت ویژه‌ای در دانش‌های میان‌رشته‌ای ادبیات و سایر علوم برخوردار است.

۲. ظاهراً در جامعه ابن‌بطوطه ازدواج درون‌همسری و در میان اقوامی چون زبیدیان برون‌همسری رواج داشته است. ممنوعیت ازدواج با خویشاوندان نزدیک را برون‌همسری و اجبار ازدواج در یک محدوده معین خویشاوندی یا سنتی را درون‌همسری می‌گویند [۷]، ص ۵۲۶-۵۲۷.

۳. برقع یا نقاب و چادر که پوشش‌دهنده اندام‌های زن است از ارکان پوشش به شمار می‌رفته است [۱۳، ص ۷۲].

۴. سعدی نیز کلمه نقاب را در غزلیات خود ۱۴ بار و کلمه برقع را ۹ بار تکرار کرده است و آن را در معنای پوششی که مانع دیدن چهره می‌شود به کار برده است [۸، ص ۷].

منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] آلبوغیش، عبدالله (۱۳۹۴). «تصویرشناسی دیگری در ادبیات خودی با تکیه بر داستان خسی در میقات از جلال آل احمد»، نشریه کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۵، ش ۱۹، ص ۲۵-۱.
- [۳] ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۶۱). سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۴] افضلی، زهرا (۱۳۹۴). «تصویرشناسی ادیبان ایران از نگاه ادیبان عرب (مطالعه مورد پژوهش: صاحب بن عباد از نگاه ابن نباته، سعدی و شریف رضی)»، مجله کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۵، ش ۱۸، صص ۲۷-۵۱.
- [۵] پروینی، خلیل؛ کنجوریان، فرشته (۱۳۸۸). «بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی»، ادبیات تطبیقی، ش ۱، ص ۳۸-۱۹.
- [۶] جمال‌الدین، محمدسعید (۱۳۸۹). ادبیات تطبیقی، ترجمه سعید حسام‌پور و دیگران، شیراز: مرکز نشر.
- [۷] روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۰). «درون همسری و برون همسری»، چیستا، ش ۵، ص ۵۲۵-۳۷.
- [۸] سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۲). کلیات سعدی، تهران: اقبال.
- [۹] طباطبائی، عطیه سادات (۱۳۹۰). «نقش و جایگاه زن در قرن هشتم با تکیه بر سفرنامه ابن بطوطه»، فصل‌نامه تاریخ پژوهی (مجله انجمن علمی گروه تاریخ و دانشگاه فردوسی مشهد)، ش ۴۹، ص ۱۳، صص ۴۹-۶۴.
- [۱۰] علوی‌زاده، فرزانه (۱۳۹۳). «تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن (تأملی در انگاره‌آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه‌نویس)»، مجله جستارهای ادبی، ش ۱۸۵، ص ۱۴۷-۱۵۰.
- [۱۱] غیاثی، محمدتقی؛ نادری مقام، شقایق (۱۳۹۰). «تصویرشناسی زن‌وارگی در آثار لویی آراگون»، مجله قلم، دوره ۶، ش ۱۳، ص ۷۰-۵۵.
- [۱۲] قبول، احسان؛ عبدالله رادمرد و تکتیم عابدی (۱۳۹۷). «تصویرشناسی زنان در سفرنامه‌ی ابن فضلان» مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۰، ش ۱، ص ۹۷-۱۱۳.
- [۱۳] محبتی، مهدی (۱۳۸۹). پوشش و حجاب زن در ادبیات فارسی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۱۴] نامورمطلق، بهمن (۱۳۸۸). «درآمدی بر تصویرشناسی معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۱۲، ص ۱۱۹-۱۳۸.
- [۱۵] نانکت، لاتیشیا (۱۳۹۰). «تصویرشناسی به‌منزله خوانش متون نشر معاصر فرانسه و فارسی»، ترجمه مزده دقیقی، ادبیات تطبیقی، ۱/۲. پیاپی ۳، ص ۱۱۵-۱۰۰.
- [۱۶] وهابی دریاکناری، رقیه؛ مریم حسینی (۱۳۹۵). «تصویر ایزدبانوان در روایت‌های داستانی بهرام بیضایی» مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، ش ۳، ص ۳۱۷-۳۳۲.
- [17] Ehsan Ghabool, Mina Ravansalar (2016). 'Imagology of Iranians in One Thousand Nights and One Night', *European Journal of Language and Literature Studies*, Volume (4), PP 75-81.